



از قورباغه تا هواپیما

محمدمهدی صفری هم کلاس دوم است. می‌گوید: «قدم بالا رفت و حالم بد شد و در بیمارستان بستری شدم. اگر امشب بروم، دوز است که بیمارستان هستم.»
در حالی که لیخندش چال بامزه‌ی لپش را بیشتر نشان می‌دهد اضافه می‌کند: «دوست دارم بروم خانه تا بدوید و شیطنت کنم! امروز به این کلاس آمدم و ساختن قورباغه را یاد گرفتم. آرزو دارم در آینده خلبان شوم و بتوانم هواپیمای خودم را بسازم.»

خانم معلّم

را دوست دارم

مهرسا کلاس دوم است و کمی از حضور در بیمارستان دلخور به نظر می‌رسد. با همان اخمی که بر چهره دارد می‌گوید: «پاهایم درد می‌کرد. آمدم بیمارستان. هفت روز است بیمارستانم و امروز به این کلاس آمده‌ام. کلاس و خانم معلّم را دوست دارم و می‌خواهم بیشتر اینجا باشم. در مدرسه تا صفحه‌ی ۱۲۵ به ما درس داده‌اند اما من جا مانده بودم. خانم معلّم امروز به من درس داد تا جبران شود.»

ارزوی تدریس به کودکان بیمار

نفس صدیقی کلاس چهارم است. می‌گوید: «فارسی را در مدرسه تا صفحه‌ی ۱۲۱ درس داده‌اند که من نبودم و در این کلاس، خانم معلّم مهربان یادم داد.» او از اینکه در این کلاس با مجله‌ی رشد نوآموز و هنر اوریگامی هم آشنا شده خوش حال و این هنر برایش جذاب است. نفس می‌گوید: «دوست دارم معلّم شوم و به کودکان بیمار درس یاد بدهم.»

بسیار خوش حال است و اضافه می‌کند: «با استفاده از اوریگامی، به بچه‌ها مفاهیم درس‌های مختلف را تدریس می‌کنم که تلفیقی از چند درس هنر، فارسی، علوم و ریاضی را شامل می‌شود. از مجلات رشد نیز برای تشویق بچه‌ها به مطالعه بهره می‌برم. آزمون گرفتن و درس پرسیدن هم داریم. در هوای خوب، در صورت اجازه‌ی پزشک، از محیط باز بیمارستان هم برای تدریس بهره می‌بریم و برای شناسایی سنگ‌ها و برخی مفاهیم، از فضای طبیعی استفاده می‌کنیم.»

این معلّم مهربان می‌گوید: «بسته به حال و روز بچه‌ها، از دوازده تا دو نفر در روز مشتری کلاس‌ها هستند زیرا اینجا درمان بر آموزش مقدّم است و اگر نیاز به بازگشت کودک به بخش باشد، سریع برمی‌گردند.»

خانم معلّم در پایان می‌گوید: «انرژی سراسر هفته را از همین بچه‌ها و دعاهای خیر والدین می‌گیرم و در زندگی‌ام برکت آن را می‌بینم.»

مدرسه‌ی «امید زندگی» را با بدرقه‌ی بچه‌ها و خانم معلّمشان به امید بهبودی همه‌ی کودکان بیمار دنیا ترک می‌کنیم.

امید در «امید زندگی»

بچه‌ها کم‌کم باید برای ویزیت پزشکان به بخش بازگردند. از فرصت استفاده می‌کنم تا با خانم معلّم دلسوز این مدرسه‌ی کوچک و خاص گفت‌وگو کنم. الهه دادمحمدی با ۳۲ سال سابقه‌ی معلّمی، خود، مادر دو فرزند است. او در ناحیه‌ی ۶ مشهد و دبستان علم و دانش در پایه‌ی دوم تدریس می‌کند. می‌گوید: «سرگروه آموزشی استان هستم و خدمت به دانش‌آموزان بیمار مقطع ابتدایی در بیمارستان تخصصی کودکان اکبر از ابتدای سال تحصیلی امسال آغاز کرده‌ام. هر هفته یکشنبه‌ها از ساعت ۸ تا ۱۳ اینجا هستم و با توجه به استقبال بچه‌ها، مدّتی است خانم نخعی هم به ما پیوسته است که بقیه‌ی روزهای هفته به کودکان بیمار آموزش می‌دهد.»

او می‌گوید: «بچه‌ها به این مدرسه علاقه‌ی بسیاری نشان می‌دهند و حتّی کودکان بیماری که شرایط راه رفتن ندارند با صندلی چرخ‌دار سر کلاس می‌آیند. اما برای بچه‌هایی که توان حرکت ندارند تکلیف و برنامه می‌فرستم.»

دادمحمدی از اینکه آموزش و پرورش در این محل همه امکانات تحصیلی را برای آموزش بچه‌ها فراهم کرده